



Fear of Negative Evaluation (FNE) Role in Predicting Dimensions of Creativity in Students

Azam Bayanlou, Ph.D

Psychology, Department of psychology, Shahabdanesh University, Qom, Iran

Reza Jafari Harandi, Ph.D

Associate Professor in Educational Sciences Department, Literature & Human Sciences Faculty, University of Qom, Qom, Iran.

Abstract

This study aim was to investigate FNE role in predicting dimensions of creativity in students that was conducted with descriptive-correlation method. The study population consisted of all students of Pardis Farabi, Industrial university of Qom and Qom Universities in the academic years of 2018-2019. Total sample size consists of 200 undergraduate students (100 male & 100 Female) were selected by multi-stage cluster sampling method. Instruments were used: Abedi's creativity test (1993) and the Fear of negative evaluation scale (FNE; Watson & Friend, 1969). Data were analyzed by SPSS₂₄ software using t-test for comparison of independent groups and linear regression. According to the results, there was no significant difference in total creativity score between male and female, but there were significant differences in the FNE scale ($p=0/0$). Linear regression analysis showed that 64% of the creativity in the female's group was predictable through the FNE. But, in the male's group, this prediction was significant only in their flexibility score ($p=0.01$). As a result, fear of negative evaluation by others can greatly affect creativity. Therefore, Culture of Communities has an impact on fear of negative evaluation of individuals and suggested to provide a supportive and non-judgmental context for the emergence of creativity in individuals, especially women.

Keywords: Fear of negative evaluation, Creativity, Students

نقش ترس از ارزیابی منفی دیگران در پیش‌بینی ابعاد خلاقیت دانشجویان

اعظم بیانلو

دکتری تخصصی روان‌شناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران

رضا جعفری هرندی*

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

هدف پژوهش، بررسی نقش ترس از ارزیابی منفی دیگران در پیش‌بینی ابعاد خلاقیت دانشجویان بود که با روش توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دانشگاه‌های پردیس فارابی، قم و صنعتی شهر قم در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. نمونه شامل ۲۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی (۱۰۰ پسر و ۱۰۰ دختر) بود که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه خلاقیت (Abedi, 1993) و مقیاس ترس از ارزیابی منفی (Watson, Friend, 1969) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS₂₄ با استفاده از روش t مستقل و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شد. مطابق با یافته‌ها، نمره کل خلاقیت زنان و مردان تفاوت معنادار نداشت، اما در مقیاس ترس از ارزیابی منفی، تفاوت معنادار بود ($p=0/0$). در تحلیل رگرسیون، متغیر ترس از ارزیابی منفی در گروه زنان نمره کل خلاقیت را تا ۶۴ درصد توانست پیش‌بینی کند؛ اما در گروه مردان این پیش‌بینی فقط در نمره انعطاف‌پذیری آن‌ها معنادار بود ($p=0/01$). در نتیجه، ترس از ارزیابی منفی دیگران تا حد زیادی می‌تواند خلاقیت را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، فرهنگ جوامع در میزان ترس از ارزیابی منفی دیگران نقش تأثیرگذاری دارد و پیشنهاد می‌شود برای بروز خلاقیت افراد به ویژه زنان یک فضای حمایتی و غیر قضاوت‌گرانه فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: ترس از ارزیابی منفی، خلاقیت، دانشجویان

مقدمه

برخی از تحقیقات نیز تلاش می‌کنند تفاوت دو جنس در تفکر خلاق را با اشاره به تفاوت‌های زیست‌شناختی توضیح دهند. آن‌ها معتقدند افراد بسیار خلاق از کنش هر دو نیم‌کره با هم به طور آزادانه استفاده می‌کنند (Bayanlou, Azad Fallah, Rasoul Zadeye Tabatabayi, 2014)؛ چنین تفاوتی در جانبی شدن تکالیف شناختی در مغز مردان و زنان نیز وجود دارد. یافته‌های جدید نشان می‌دهد زنان کارکردهای مغزی کمتر جانبی شده‌ای (Lateralization) دارند و هر دو نیم‌کره آن‌ها برای انجام تکالیف، فعال است ولی در مردان بیشتر کارکردها جانبی شده است؛ به همین دلیل انتظار می‌رود زنان ظرفیت تفکر خلاق بیشتری نسبت به مردان داشته باشند (Zaidi, 2010). با وجود یافته‌های این تحقیقات، یکی از بزرگ‌ترین تناقض‌ها، بین نمرات کسب شده از آزمون‌های تفکر خلاق و پیش‌بینی دستاوردهای خلاقانه در دنیای واقعی است. اکثر مطالعات بر بررسی ارتباط بین تفاوت‌های جنسی در خلاقیت و تفکر خلاق تمرکز کرده‌اند و تفاوت معناداری بین دو جنس پیدا نکرده‌اند اما هیچ‌یک از آن‌ها به این مسأله نپرداخته که آیا در دنیای واقعی نیز دستاوردهای خلاقانه زنان و مردان برابر است؟ آیا زنان نیز به اندازه مردان دستاوردهای خلاقانه دارند یا خیر؟

مطالعات نشان می‌دهد اختلاف در دستاوردهای خلاقانه در دنیای واقعی بسیار زیاد و معنادار است (Eisler et al. 2016). این مسأله نیاز به تحقیق و بررسی زیادی دارد که چرا با وجود نبودن تفاوت بین مردها و زنها در نتایج مربوط به نمرات آزمون‌های تفکر خلاق، در دنیای واقعی، مردان موفقیت‌ها و دستاوردهای خلاقانه بسیار بیشتری نسبت به زنان کسب می‌کنند و چرا زنان نمی‌توانند ظرفیت تفکر خلاق خود را در دنیای واقعی تبدیل به دستاوردهای خلاقانه کنند؟ برای پاسخ به این تناقض یک توضیح وجود دارد و آن عوامل روان‌شناختی و فرهنگی-اجتماعی است (Eisler et al. 2016). قرار دادن خلاقیت در یک بافت اجتماعی، ما را به مدل سیستم‌های اجتماعی ایسلر (Eisler, 1987) (social systems) هدایت می‌کند. در این مدل، به مقایسه جوامع غربی و شرقی، سنتی و مدرن، صنعتی و در حال صنعتی شدن در تفاوت‌های جنسیتی، تربیتی، اخلاقی و بهنجاری و نابهنجاری پرداخته شده است. او معتقد است تفاوت‌های جنسی در بروز توانایی‌های اجتماعی یا شناختی در جوامعی که رتبه‌بندی جنسی

خلاقیت غالباً به عنوان توانایی خلق ایده‌ها و تولیدات جدید تعریف می‌شود (Almeida, Prieto, Ferrando, Oliveira, 2008; Gu, Dijksterhuis, Ritter, 2019). امروزه خلاقیت به دلیل تغییرات سریع در سطوح اجتماعی، هنری، فناوری و کشف علوم مختلف بسیار اهمیت پیدا کرده است (Hennessey, Amabile, 2010). در سطح فردی، افراد روزانه با فعالیت‌های خلاقانه زیادی درگیر هستند که به آن‌ها کمک می‌کند با مشکلات روزمره خود مقابله کنند (Collard, Looney, 2014). سازمان‌ها خلاقیت را به عنوان یک منبع حیاتی برای نوآوری و رقابت در زمینه بازار جهانی می‌دانند. در مدرسه نیز، دانش‌آموزان نیاز به یک ذهن خلاق و منعطف برای یادگیری و یکپارچه سازی اطلاعات جدید دارند (Gu et al. 2019).

شناخت عوامل تسهیل‌کننده و موانع خلاقیت به ما کمک می‌کند شرایط بهتری را در زندگی شخصی، شغل و تحصیل افراد فراهم کنیم. هرچند ویژگی‌های شخصیتی (Personality Traits) و عملکردهای شناختی (Cognitive Operations) در خلاقیت افراد مهم است؛ ولی عواملی همچون جنس و عوامل روانی مانند اضطراب، حالت‌های عاطفی، انگیزشی و شرایط تهدید از عوامل اصلی و مؤثر در کاهش یا افزایش خلاقیت به شمار می‌آیند (Gu et al. 2019). عامل جنسیت و تفاوت‌های جنسی در تفکر خلاق از جمله موضوعاتی است که هم در پژوهش‌های خارجی و داخلی بسیار به آن پرداخته شده است. در اکثر این تحقیقات تفاوتی بین دو جنس در تفکر خلاق به دست نیامده است. (Baer, 2008) در تحقیقی مروری که بر روی ۸۰ مطالعه انجام داد به این نتیجه رسید که در بیش از نیمی از این تحقیقات، تفاوت معناداری بین زنها و مردها یا دختران و پسران از نظر توانایی خلاق وجود ندارد و در نیمی دیگر از مطالعات نیز زنها نمرات بیشتری نسبت به مردها به دست آورده بودند. تاکنون هیچ تحقیقی نشان نداده است که مردان خلاق‌تر از زنان به دنیا می‌آیند. مطالعات نشان می‌دهد هیچ تفاوتی بین دو جنس در تفکر خلاق وجود ندارد و یا در برخی از آن تحقیقات، زنان یا دختران نمرات خلاقیت بیشتری در آزمون‌های خلاقیت نسبت به مردان به دست آورده‌اند (Eisler, Donnelly, Montuori, 2016).

و حوش ارزیابی تهدید بالقوه است. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد زن‌ها بیشتر از مردان به ارزیابی‌های منفی دیگران حساسند (Guven, 2010). مردان از جرأت و توانایی بیشتری در ابراز جنبه‌های منفی و مثبت خود (بدون نگرانی در مورد پیامدهای آن) در موقعیت‌های بین فردی برخوردارند (Kord Tamini, Valibeygi, 2011; Niusha, Farghadani, Safari, 2012).

هرچند تغییرات اساسی و مهمی در سال‌های اخیر در نگرش جامعه نسبت به توانایی‌های دو جنس ایجاد شده و زمینه‌های بهره‌مندی از موقعیت‌ها و فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی استعدادها هر دو جنس به وجود آمده است؛ برخی از پژوهشگران همچنان معتقدند که تفاوت‌های جنسی در توانایی‌های شناختی به علت نگرش‌های قالبی اجتماعی-فرهنگی افراد جامعه است (Abra, 1994). عامل اجتماعی و فرهنگی را می‌توان یکی از عوامل اساسی تأثیرگذار در خلاقیت افراد دانست (Burns, Machado, Corte, 2015). با در نظر گرفتن اینکه ایران دارای جامعه‌ای سنتی و نگرش‌های قالبی درباره زنان و مردان است (Elmi, Elyasi, 2009)، این پژوهش با هدف بررسی نقش ترس از ارزیابی منفی دیگران در پیش‌بینی ابعاد خلاقیت دانشجویان انجام شد. فرضیه‌هایی که این پژوهش به دنبال آزمون آن‌ها بود عبارت بود از:

- فرضیه اول: نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره کل خلاقیت آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه دوم: نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره سیالی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه سوم: نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره ابتکار آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه چهارم: نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره انعطاف‌پذیری آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه پنجم: نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره بسط آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه ششم: نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری، نمره کل خلاقیت آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.
- فرضیه هفتم: نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری، نمره سیالی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

یا نگرش‌های قالبی جنسیتی وجود دارد بیشتر است؛ زیرا زنان دستاوردها و توانایی‌های خود را کمتر ارزیابی می‌کنند و ترس بیشتری برای بروز توانایی‌های خود دارند (Eisler et al. 2016). ترس و اضطراب در حوزه عملکرد شناختی افراد با بیشترین تأثیر منفی و نامطلوب همراه است (Eysenck, 1985). سازه ترس از ارزیابی منفی (Fear of negative evaluation) شامل احساس ترس مربوط به ارزیابی‌های دیگران و پریشانی خاطر ناشی از این ارزیابی‌های منفی و انتظار و توقعی است که دیگران نسبت به یک نفر دارند؛ فقط به این دلیل که منفی قضاوت خواهند کرد (Watson, Friend, 1969). ترس از ارزیابی منفی، نوعی اضطراب است که در آن انتظار اینکه دیگران او را منفی ارزیابی خواهند کرد، فرد را دچار نگرانی و ترس می‌کند. ترس از ارزیابی منفی، غالباً موجب می‌شود منابع توجه افراد به تهدیدها و ارزیابی‌های اجتماعی معطوف باشد و از نظر شناختی فرد را دچار ضعف عملکرد سازد (Weeks, Holmberg, Hart, Fresco, Turk, 2005). افرادی که ترس از ارزیابی منفی دارند برای اینکه از نظر دیگران مورد ارزیابی قرار نگیرند سعی می‌کنند از ابراز خود و توانایی‌هایشان و حضور در فضاهای اجتماعی خودداری کنند (Moeeni, Najafi Moghadam Nejad, 2014)؛ در حالی که بروز استعدادهای و خلاقیت تنها از طریق تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی تحقق پیدا می‌کند (Farahini, Afrooz, Rasoulzadeh Tabatabaei, Tajik Esmaeili, 2011). خلاقیت از جمله توانایی‌هایی است که به شدت وابسته به محیط و بافت جامعه است. رویکردهای مرکزیت محیط (Context-centered approaches) در مطالعه خلاقیت، برگرفته از اثر محیط بر خلاقیت استغ به عنوان مثال، محیط خانوادگی، مدرسه و آموزش، محیط اجتماعی و فرهنگ، نقشی حیاتی و مهم در رشد خلاقیت افراد دارند (Denge, Wang, Zhao, 2016). مطالعات نشان داده است ترس موجب توقف یا انجام شناختی می‌شود و اولویت‌بندی شناختی افراد با اطلاعاتی است که مربوط به ترس آن‌هاست و از باز بودن ایده‌های جدید جلوگیری می‌کند (Cohen-Chen, Halperin, Porat, Roni, Bar-Tal, 2014). ترس از ارزیابی منفی، توجه را معطوف به تشخیص منبع ترس می‌کند و فرآیند تفسیر، حول

مثبت و ۱۳ ماده پاسخ منفی است. در این مقیاس برای هر پاسخ درست، نمره صفر و برای پاسخ نادرست، نمره ۱ در نظر گرفته می‌شود. دامنه نمره‌ها بین صفر تا ۳۰ است و هرچه نمره در این مقیاس بالاتر باشد، نشان‌دهنده ترس از ارزیابی منفی بیشتر است. این مقیاس را نخستین بار (Mehrabizadeh-Honarmand, Najarian, Baharloo, 1996) ترجمه و مشخصات روان‌سنجی آن را ارزیابی کرد. برای پایایی این آزمون، واتسون و فرند (۱۹۶۹) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را در نمونه‌ای ۱۰۰ نفری محاسبه کردند که آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۸ محاسبه شد. مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۷۸) ضریب پایایی این مقیاس را در نمونه‌ای از دانشجویان برابر با ۰/۸۶ گزارش کردند. همچنین هرمزی نژاد (۱۳۸۰) در نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، ضرایب پایایی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و با روش گاتمن ۰/۸۷ گزارش کرده است. روایی این آزمون را واتسون و فرند با محاسبه ضریب همبستگی بین مقیاس ترس از ارزیابی منفی و آزمون اضطراب آشکار تیلورف، برابر با ۰/۶ به دست آوردند. در ایران نیز برای اعتباریابی این مقیاس مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۷۸) از مقیاس اضطراب اجتماعی / آشفستگی شناختی استفاده کردند و از اعتبار سازه‌ای به طور هم زمان استفاده کردند. ضرایب روایی مقیاس ترس از ارزیابی منفی با مقیاس اضطراب اجتماعی / آشفستگی شناختی برابر با ۰/۵۶ و با اعتبار سازه‌ای برابر با ۰/۸۵ به دست آمد که هر دو در سطح ($P < 0.001$) معنادار گزارش شد. یافته‌های پژوهشی مختلف نشان می‌دهد که این مقیاس از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار است. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای مقیاس ترس از ارزیابی منفی ۰/۷۹ به دست آمد که اعتبار مطلوبی است. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه عبارت است از " هنگامی که کسی دارد رفتار مرا ارزیابی می‌کند، انتظار بدترین نوع ارزیابی را از او دارم"، " از این می‌ترسم که دیگران از کارهای من ایراد بگیرند".

پرسشنامه خلاقیت (Abedi, 1993): این پرسشنامه یکی از معتبرترین آزمون‌های روان‌شناختی درباره اندازه‌گیری خلاقیت است. پرسشنامه عابدی دارای ۶۰ ماده است که هر

فرضیه هشتم: نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری، نمره ابتکار آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه نهم: نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری، نمره انعطاف‌پذیری آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه دهم: نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری، نمره بسط آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان سه دانشگاه سراسری شهر قم (دانشگاه قم، دانشگاه پردیس فارابی و دانشگاه صنعتی قم) در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. مجموع تعداد دانشجویان در این سه دانشگاه برابر با ۱۵۲۵۵ نفر بود. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ دانشجو (۱۰۰ پسر و ۱۰۰ دختر) بود که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از این سه دانشگاه انتخاب شدند؛ بدین منظور ابتدا فهرستی از دانشکده‌های ۳ دانشگاه تهیه شد و از بین ۱۴ دانشکده، ۴ دانشکده به صورت تصادفی برای اجرای پژوهش انتخاب شدند. با توجه به حجم هر یک از خوشه‌ها و با در نظر گرفتن تعداد مساوی زن و مرد، در نهایت تعداد نمونه به ۲۰۰ نفر رسید. سپس در مرحله بعدی از هر دانشکده ۱ کلاس به صورت تصادفی انتخاب و آزمون اجرا شد. معیارهای ورود دانشجویان به این پژوهش شامل رضایت و آمادگی برای شرکت در پژوهش، عدم ابتلا به اختلالات روانپزشکی مانند افسردگی، اضطراب و عدم مصرف داروهای روانپزشکی که از طریق مصاحبه و گرفتن تاریخچه‌ای کوتاه از آن‌ها به دست آمد و راست دست بودن شرکت‌کنندگان بود (زیرا بر اساس برخی نظریه‌های عصب روان‌شناختی، خلاقیت از جانبی شدن مغز افراد تأثیر می‌پذیرد).

ابزار سنجش

مقیاس ترس از ارزیابی منفی (The Fear of Negative Evaluation; FNE): مقیاس ترس از ارزیابی منفی را (Watson, Friend, 1969) برای سنجش ادراکات افراد درباره ارزیابی‌های دیگران بر روی نمونه‌ای از دانشجویان ساخت. این مقیاس مداد کاغذی ۳۰ ماده دارد. پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیف درست و نادرست مشخص گردیده و ۱۷ ماده پاسخ

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

برای اجرای پژوهش، ابتدا محققان فهرست دانشجویانی را که به عنوان گروه نمونه انتخاب شده بودند در هر دانشگاه تهیه و سپس با هماهنگی محقق و دانشجو، ساعتی را که برای دانشجویان و محقق مناسب بود برای پاسخگویی به پرسشنامه-ها مشخص کردند و دانشجویان در زمان‌های تعیین شده در یک مکان مناسب (سالن مطالعه دانشگاه یا دانشکده)، به مقیاس‌های این پژوهش پاسخ دادند. داده‌های به دست آمده از اجرای پژوهش، توسط نرم افزار SPSS24 و با استفاده از روش آمار توصیفی، t برای مقایسه گروه‌های مستقل و رگرسیون خطی، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

برای مقایسه دو گروه در نمرات مربوط به مقیاس خلاقیت و ابعاد آن و مقیاس ترس از ارزیابی منفی از آزمون t برای گروه-های مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

ماده آن با سه گزینه الف، ب و ج که هر یک به ترتیب نمره ۱ و ۲ و ۳ را دریافت می‌کنند مشخص شده است. این پرسشنامه ۴ قسمت مختلف که متناظر با عوامل تشکیل‌دهنده خلاقیت از دیدگاه تورنس شامل سیالی (Fluency)، ابتکار (Originality)، انعطاف‌پذیری (Flexibility) و بسط دادن (Elaboration) است طبقه‌بندی می‌شود. عابدی اعتبار این آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی کرده است و ضرایب آن را برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها برابر با سیالی ۰/۷۵، برای ابتکار ۰/۶۱، برای انعطاف‌پذیری ۰/۶۷ و برای بسط ۰/۶۱ به دست آورده است. سمعی در سال ۱۳۸۲ اعتبار این آزمون را با استفاده از روش بازآزمایی برای سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۴۸، ۰/۵۳ و ۰/۵۸ گزارش کرده است. وی با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که آزمون از روایی همزمان پذیرفتنی‌ای برخوردار است (Samiei, 2003). در این پژوهش نیز ضرایب پایایی برای سیالی ۰/۷۱، برای بسط ۰/۵۱، برای ابتکار، ۰/۵۳ و برای انعطاف‌پذیری برابر با ۰/۶۲ به دست آمد. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه عبارت است از "وقتی با مشکل غیر عادی مواجه می‌شوید، معمولاً آن را چگونه رفع می‌کنید؟"، "چقدر به جزئیات کاری که انجام می‌دهید، می‌پردازید؟".

جدول ۱. آزمون t برای گروه‌های مستقل (مردان و زنان) در ابعاد خلاقیت و ترس از ارزیابی منفی

سطح معناداری	درجه آزادی	t	F	
۰/۰	۱۹۸	-۷/۰۱	۰/۰۸	ترس از ارزیابی منفی
۰/۷۸	۱۹۸	-۰/۲۷	۰/۹۱	خلاقیت
۰/۴۱	۱۹۸	۰/۸۱	۰/۵۵	سیالی
۰/۲۹	۱۹۸	-۱/۰۴	۱/۸	ابتکار
۰/۰۴	۱۹۸	-۱/۹	۰/۰۸	انعطاف‌پذیری
۰/۰	۱۹۸	-۴/۰۲	۳/۴	بسط

دادند. برای بررسی سهم ترس از ارزیابی منفی در پیش‌بینی سطح خلاقیت افراد، رگرسیون خطی برای متغیر ترس از ارزیابی منفی و ابعاد خلاقیت انجام شد. نتایج رگرسیون در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد زنان و مردان در مقیاس ترس از ارزیابی منفی تفاوت معناداری با هم دارند ($P=۰/۰$). در مقیاس خلاقیت دو گروه فقط در دو بعد از خلاقیت یعنی انعطاف-پذیری ($P=۰/۰۴$) و بسط ($P=۰/۰$) تفاوت معناداری نشان

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیونی داده‌ها برای پیش‌بینی ابعاد خلاقیت زنان و مردان بر اساس متغیر ترس از ارزیابی منفی دیگران

جنس	ضریب تعیین	F	سطح معناداری	بتا	t	سطح معناداری
مرد	۰/۰۱۹	۱/۸۸	۰/۰۹	۰/۱۳	۱/۳۷	۰/۱
	۰/۶۴	۱۷۴/۶	۰/۰۰۰	-۰/۸۰	-۱۳/۲۱	۰/۰۰۳
زن	۰/۰۰۳	۰/۲۹	۰/۳	۰/۰۵	۰/۵۴	۰/۲
	۰/۶۱	۱۵۵/۳۵	۰/۰۰۵	-۰/۷۸	-۱۲/۴۶	۰/۰۰۰
مرد	۰/۰۰۷	۰/۶۸	۰/۲	۰/۰۸	۰/۸۲	۰/۵
	۰/۲۶	۳۵/۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۱	-۵/۹۴	۰/۰۰۰
زن	۰/۱۱	۹/۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹	۳/۰۸	۰/۰۱
	۰/۴۷	۸۹/۵	۰/۰۰۰	-۰/۶۹	-۹/۴۶	۰/۰۰۰
مرد	۰/۰۳	۳/۱۲	۰/۶	۰/۱۷	۱/۷۶	۰/۴
	۰/۱۶	۱۸/۹۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۰	-۴/۳۵	۰/۰۲

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه نقش ترس از ارزیابی منفی دیگران در پیش‌بینی ابعاد خلاقیت دانشجویان انجام شد. بر اساس آنچه از یافته‌های این پژوهش به دست آمد، میانگین زنان و مردان در نمره کل خلاقیت، تفاوت معناداری نداشت. این یافته مطابق با یافته‌های (Baer, 2008) و (Eisler, 2016) و همکارانش است که در پژوهش‌های خود تفاوت معناداری در نمرات خلاقیت مردان و زنان به دست نیاوردند. برخلاف یافته این پژوهش‌ها در پژوهشی که (Bayanlou, 2014) و همکارانش انجام دادند، پسران شرکت‌کننده در پژوهش آن‌ها نمرات بالاتری نسبت به دختران در مقیاس خلاقیت کسب کردند. تفاوت یافته این دو پژوهش را می‌توان در ویژگی‌های آزمودنی‌های دو پژوهش و ابزار به کار رفته برای سنجش خلاقیت تبیین کرد؛ زیرا در پژوهش حاضر شرکت‌کنندگان شامل افراد بزرگسال بالای ۱۸ سال بودند در حالی که در پژوهش بیانلو و همکارانش، آزمودنی‌ها شامل کودکانی بودند که بین ۷ تا ۱۲ سال سن داشتند. همچنین در پژوهش آن‌ها از مقیاس تصویری تفکر خلاق تورنس استفاده شده بود و پژوهش‌ها نشان داد، پسرها در خلاقیت تصویری نسبت به دخترها عملکرد بهتری دارند (Bayanlou et al., 2014).

مطابق با یافته‌های ذکر شده در جدول ۲، متغیر ترس از ارزیابی منفی به شکل معناداری توانست نمره کل خلاقیت زنان را پیش‌بینی کند؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر "نمره ترس از ارزیابی منفی در زنان به شکل معناداری، نمره کل خلاقیت آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند" در سطح معناداری ($p=0/003$) تأیید شد و توانست ۶۴ درصد از تغییرات نمره خلاقیت را پیش‌بینی کند. همچنین فرضیه دوم تا پنجم پژوهش که مربوط به پیش‌بینی نمرات ابعاد خلاقیت (سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط) توسط متغیر ترس از ارزیابی منفی در گروه زنان بود، در سطح معناداری ($p=0/0$) تأیید شد؛ اما فرضیه ششم پژوهش در گروه مردان، مبنی بر "نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری نمره کل خلاقیت آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند" معناداری آماری نشان نداد و تأیید نشد. فرضیه هفتم، هشتم و دهم نیز مبنی بر اینکه نمرات ابعاد خلاقیت (سیالی، ابتکار و بسط) توسط متغیر ترس از ارزیابی منفی در گروه مردان پیش‌بینی می‌شود، معناداری آماری به دست نیاوردند و تأیید نشدند؛ اما فرضیه نهم پژوهش مبنی بر "نمره ترس از ارزیابی منفی در مردان به شکل معناداری نمره انعطاف‌پذیری آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند"، در سطح معناداری ($p=0/01$) تأیید شد.

جزئیات لازم برای یک طرح می‌پردازد، چیزی را از قلم نمی‌اندازد و توانایی اضافه کردن جزئیات به ایده‌ها را دارد. بسط به معنای دقت زیاد در ارائه ایده، پیاده‌سازی، ارزش دادن به آن و ارتباط آن با ایده‌های دیگر برای عرضه یک ایده جدید و قبولاندن آن است (Bayanlou et al. 2014)؛ بنابراین تفاوت معنادار زنان و مردان در این پژوهش در بعد بسط نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در خلق ایده‌ها و راه حل‌های جدید برای این مسأله که ایده آن‌ها با ایده‌های دیگر مرتبط باشد و مقبول واقع شود تلاش می‌کنند.

همچنین در مقایسه نمره ترس از ارزیابی منفی بین زنان و مردان، نتایج نشان داد زنان نمره بالاتری در ترس از ارزیابی منفی داشتند. نمره بالای زنان در مقیاس ترس از ارزیابی منفی در این پژوهش هماهنگ با یافته‌های Guven (2010) است که نشان دادند زن‌ها نسبت به مردها به ارزیابی‌های منفی دیگران حساس‌ترند. همچنین این یافته همسو با یافته Niusha (2012) و همکارانش است که به این نتیجه رسیدند که مردان جرأت و جسارت بیشتری برای ابراز وجود در تعاملات بین فردی دارند. همچنین مطابق با مدل سیستم‌های اجتماعی ایسلر (۱۹۸۷) جوامع شرقی و در حال صنعتی شدن به دلیل رتبه-بندی‌های جنسی که در آن‌ها وجود دارد، زنان ترس بیشتری را برای ابراز توانایی‌های خود دارند (Eisler et al. 2016). پژوهش Kord Tamini, Valibeygi (2011) نیز نشان داد که دختران عزت نفس کمتری دارند و ارزیابی‌های منفی بیشتری از ویژگی‌های فیزیکی و توانایی‌های فکری خود نسبت به پسران نشان دادند.

با توجه به نتایج به دست آمده از گروه زنان، نمره ترس از ارزیابی منفی به شکل معناداری توانست نمره خلاقیت آن‌ها را پیش‌بینی کند. این یافته نشان می‌دهد ترس زنان از ارزیابی‌های منفی دیگران تا حد زیادی می‌تواند عملکردهای شناختی سطح بالا همچون خلاقیت را تحت تأثیر قرار دهد و اثر سوء بر آن داشته باشد. مطابق با یافته Abra (1994) با وجود تغییرات اساسی در نگرش‌های قالبی جوامع، همچنان تفاوت‌های هر دو جنس در توانایی‌های شناختی به عوامل اجتماعی-فرهنگی جوامع بر می‌گردد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد از میان ابعاد خلاقیت، دو بعد انعطاف‌پذیری و بسط در دو جنس تفاوت معناداری دارد و میانگین نمره زنان در این دو بعد بالاتر از مردان است.

در تبیین تفاوت میانگین دو بعد انعطاف‌پذیری و بسط در زنان و مردان و بالا بودن نمره زنان می‌توان گفت، گیلفورد (Guilford) و تورنس (Torrance) به عنوان دو فرد سرشناس در تعریف و اندازه‌گیری خلاقیت، انعطاف‌پذیری را به عنوان توانایی تولید طبقات مختلف برای یک ایده می‌دانند. این توانایی افراد را قادر می‌سازد تا برای مسائل موجود بتواند راه‌حل‌های متعددی ارائه دهند در حالی که ابعادی مانند ابتکار، به تفکر به شیوه غیر متداول و خلاف عادت رایج و خلق و تولید ایده‌هایی غیر معمول اشاره دارد (Almeida et al. 2008).

برای تبیین این نتیجه می‌توان به یافته‌های محققانی اشاره کرد که معتقدند عامل کلیدی در فعالیت‌های خلاقانه، مبنای اجتماعی دارد و در بستر اجتماعی ساخته می‌شود. در فعالیت‌های خلاقانه، از آنجایی که نمادها، قوانین و موادی که در بسترهای اجتماعی رشد یافته‌اند یا از آن مشتق شده‌اند دستکاری می‌شوند؛ بنابراین زمانی که مشوق و فرصت‌های موقعیتی فراهم باشد، می‌تواند دستکاری‌های غیر متداول در آن‌ها ایجاد کند؛ اما در صورتی که چنین فرصتی فراهم نباشد به شکل تفکر خلاقانه و خلق راه‌حلهایی جدید در قالبی جامعه‌پسندانه و متناسب با معانی فرهنگی و نهادی در قالب ایده‌های جدید بروز پیدا می‌کند؛ در نتیجه نوآوری و خلاقیت در همان مرحله فرآیند تفکر خلاق و خلق ایده‌های جدید و نه غیر معمول باقی می‌ماند و از نمود بیرونی آن به شکل دستاوردهای خلاقانه فاصله می‌گیرد (Burns et al. 2015).

همچنین Denge (2016) و همکارانش معتقدند در جوامع شرقی، تأکید اجتماعی و فرهنگی بر ویژگی‌های انطباقی به جای فردیت افراد و اولویت برای توانایی‌های تحلیلی به جای اکتشافی است؛ در نتیجه می‌توان گفت تأکید اجتماع بر خلاقیت زنان بیشتر بر انطباق است نه بر کشف. همچنین نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت به خلاقیت، ارتباطی قوی بین تفکر خلاق با انعطاف‌پذیری و نوآوری ایجاد می‌کند. بعد بسط نیز از نظر تورنس به توانایی توجه به جزئیات در حین انجام یک فعالیت اشاره دارد. اندیشه بسط‌یافته به کلیه

مدرسه و همچنین فرهنگ حاکم بر جامعه آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام شرکت‌کنندگان که با سعه صدر در انجام این پژوهش ما را یاری کردند سپاسگزاریم.

منابع

- Abra, J. (1994). Collaboration in Creative work: An initiative for investigation. *Creativity research journal*, 7(1), 205-218.
- Almeida, L.S., Prieto, L.P., Ferrando, M., & Oliveira, E. (2008). Torrance test of creative thinking: The question of its construct validity. *Thinking Skills and Creativity*, 3, 53- 58.
- Baer, J. (2008). Evidence of gender differences in creativity. *Journal of Creative Behaviour*, 42(2), 78-105.
- Bayanlou, A., Azad Fallah, P., & Rasoul Zadeye Tabatabayi, K. (2014). Assessment and comparison of creative thinking in monolingual and early equal bilingual children. *Educational Innovations*, 13(1), 92-107. [Persian]
- Burns, T. R., Machado, N., & Corte, U. (2015). The sociology of creativity: Part 1: Theory: The social mechanisms of innovation and creative developments in selectivity. *Human Systems Management*, 34, 179-199.
- Cohen-Chen, S., Halperin, E., Porat, Roni. & Bar-Tal, D. (2014). The Differential Effects of Hope and Fear on Information Processing in Intractable Conflict. *Journal of Social and Political Psychology*, 2(1), 11-30.
- Collard, P., & Looney, J. (2014). Nurturing creativity in education. *European Journal of Education*, 49(3), 348-364.
- Denge, L., Wang, L., & Zhao, Y. (2016). How creativity was affected by environmental factors and individual characteristics: A cross-cultural comparison perspective. *Creativity Research Journal*, 28(3), 357-366.

برخلاف گروه زنان، پیش‌بینی نمره خلاقیت گروه مردان از راه نمره ترس از ارزیابی منفی آن‌ها معنادار نبود؛ اما یکی از نتایج جالب پژوهش این بود که نمره ترس از ارزیابی منفی در گروه مردان توانست نمره انعطاف‌پذیری آن‌ها را به شکل معناداری پیش‌بینی کند؛ بنابراین می‌توان گفت ترس از ارزیابی منفی، افراد را به جای خلق ایده‌های غیر معمول و متداول، به سمت خلق روش‌ها و ایده‌هایی که سازگاری و هماهنگی با سایر ایده‌ها داشته باشند سوق می‌دهد.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، نگرش‌های قالبی و فرهنگ حاکم بر جوامع سنتی، مردها را برای تجربه‌های جدید تشویق می‌کند و بیش از زنان فرصت‌هایی را برای دستکاری محیط و تجربه آن‌ها فراهم می‌کند. مطابق با یافته‌های این پژوهش، ترس از ارزیابی منفی در زنان، مانعی جدی برای بروز خلاقیت و دستاوردهای خلاقانه آنهاست. از آنجا که ترس از ارزیابی منفی دیگران قابل تغییر است، می‌توانیم با ایجاد فرصت‌هایی که در آن‌ها قضاوت‌های کمتری نسبت به توانایی زنان وجود داشته باشد، وضعیتی را فراهم کنیم تا توانایی بالقوه آن‌ها نمود بیرونی پیدا کند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به این اشاره کرد که دیدگاه دانشجویان درباره ارتباط فرهنگ و نقش آن در دستاوردهای خلاقانه سنجیده نشده بود؛ بنابراین با توجه به محدودیت ذکر شده، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به مقایسه نگرش دانشجویان دختر و پسر درباره ارتباط فرهنگ با دستاوردهای خلاقانه آن‌ها پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در جامعه ایران به تبیین‌های نظری درباره نقش فرهنگ و نگرش‌های اجتماعی بر توانایی‌های خلاقانه زنان و مردان پرداخته شود. علاوه بر این، با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده در قالب تحقیقی تجربی به مقایسه تأثیر دو محیط حمایتی و غیر حمایتی و محیط قضاوت‌گرانه با محیط بدون قضاوت در بروز خلاقیت و ایده‌های غیر متداول بین زنان و مردان پرداخته شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود، زنانی که دستاوردهای خلاقانه داشته‌اند از لحاظ محیط خانوادگی، آموزش و فضای

- Eisler, R., Donnelly, G., & Montuori, A. (2016). Creativity, Society, and Gender: Contextualizing and Redefining creativity. *Interdisciplinary Journal of Partnership Studies*, 3(2), 1-33.
- Elmi, M., & Elyasi, S. (2009). Social factors affecting the acceptance of gender stereotypes (A case study of married working women, city sarab). *The journal of sociology studies*, 2(2), 53-75. [Persian]
- Eysenck, M. W. (1985). Anxiety and cognitive-task performance. *Personality and Individual Differences*, 6, 579-586.
- Farahini, N., Afrooz, G., Rasoulzadeh Tabatabaei, S. k., Tajik Esmacili, M. (2011). The role of shyness in anticipating creativity among the gifted. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 1476- 1480.
- Gu, X., Dijksterhuis, A., & Ritter, S. M. (2019). Fostering children's creative skills with the 5-I training program. *Thinking skills and creativity*. 32, 92-101.
- Güven, M. (2010). An analysis of the vocational education undergraduate students' levels of assertiveness and problem-solving skills. *Social and Behavioral Sciences*, 2, 2064-2070.
- Hennessey, B. A., & Amabile, T. M. (2010). Creativity. *Annual Review of Psychology*, 61, 569-598.
- Kord Tamini, B & Valibeygi, R. (2011). The Impact of Gender, Age and Academic Branch on Self-Esteem of Students. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 1(9), 1065-1069.
- Mehrabizadeh-Honarmand, M., Najarian, B., & Baharloo, R. (1996). Relationship between perfectionism and social anxiety among college student. *Journal of psychology*, 3(3), 231-248. [Persian]
- Moeeni, N., & Najafi Moghadam Nejad, M. (2014). The Relationship between worry and fear of negative evaluation whit social anxiety in students. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*, 3(1), 31-34.
- Niusha, B., Farghadani, A., & Safari, N. (2012). Effects of assertiveness training on test anxiety of girl students in first grade of guidance school. *Social and Behavioral Sciences*, 46, 1385-1389.
- Samiei, S. (2003). *Comparison of psychological profile of creative and non-creative sciences and arts students of public universities of Tehran*. Master Thesis in Educational Psychology. Alzahra University. [Persian]
- Watson, D., & Friend, R. (1969). Measurement of social evaluative anxiety. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 33(4), 448-457.
- Weeks, H. W., Holmberg, R. G., Hart, T. A., Fresco, D. M., & Turk, C. L. (2005). Empirical Validation and Psychometric Evaluation of the Brief Fear of Negative Evaluation Scale in Patients with Social Anxiety Disorder. *Psychological Assessment*, 17(2), 179-190.
- Zaidi, F. Z. (2010). Gender Differences in Human Brain: A Review. *The open anatomy journal*, 2, 37-55.